

شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی بر اساس نظریه داده بنیاد

مهدی لقمان نیا*

دکتر احمد خامسان**

دکتر محسن آیتی***

دکتر مجتبی خلیفه****

چکیده

هویت ملی یکی از مباحث مهم و برجسته در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و دارای بیشترین اهمیت و ضرورت به لحاظ وحدت و انسجام ملی است. با توجه به این‌که نظام آموزش و پرورش بزرگ‌ترین نیرو و سرمایه انسانی و ملی را دربر دارد، می‌تواند در جهت تقویت و تعمیق هویت ملی گام‌های اساسی و مؤثر بردارد. نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که به هویت ملی در کتاب‌ها و برنامه‌های درسی توجه کافی نشده و از سوی دیگر، در کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های انجام شده از مؤلفه‌های واحدی برای بررسی هویت ملی استفاده نشده است. هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی بر اساس نظریه داده بنیاد است. به این منظور، ۴۳ کتاب، ۴۴ پایان‌نامه دکتري و کارشناسی ارشد، و متن مصاحبه با ۹ صاحب‌نظر برجسته در زمینه هویت ملی به‌عنوان داده انتخاب شد و بر مبنای نظریه داده بنیاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق، ۶ مؤلفه اصلی و ۱۹ زیرمؤلفه را برای هویت ایرانی استخراج و آن‌ها را در قالب مدل نظری بر مبنای نظریه داده بنیاد ارائه نموده است. مؤلفه‌های اصلی هویت ملی در این مدل عبارتند از سرزمین، زبان، فرهنگ، تاریخ، دین و نماد.

کلیدواژه: هویت ملی، مؤلفه‌های هویت ملی، نظریه داده بنیاد (نظریه مبنایی یا نظریه برداری داده‌محور)، برنامه درسی.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۹/۱۳ تاریخ شروع بررسی: ۸۹/۱۱/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۸/۱۷
* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار، پست الکترونیکی: mahdiloghmannia@yahoo.com
** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند، پست الکترونیکی: khamesan@yahoo.com
*** استادیار گروه برنامه‌ریزی درسی دانشگاه بیرجند، پست الکترونیکی: ayati_mohsen@yahoo.com
**** استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند، پست الکترونیکی: khalife_m@yahoo.com

مقدمه

«هویت» سابقه‌ای به بلندای تاریخ بشریت دارد، زیرا انسان از همان آغاز به دنبال شناخت خود بوده و در پی پاسخ‌گویی به این سوال برآمده که «من کیستم؟» و «چیستم؟» روشن است که هر چه در این مسیر شناخت فرد از خود و دیگران کامل‌تر باشد، بهتر می‌تواند مسیر متعالی خود را انتخاب کند. در زمان حاضر نیز نه تنها از اهمیت این مسأله کاسته نشده، بلکه از رونق خاصی نیز برخوردار بوده و به طور جدی مطرح می‌باشد.

هویت دارای انواع، سطوح و سلسله مراتب مختلفی است، اما در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دو نوع هویت را از یکدیگر متمایز کرد. اول، «هویت فردی^۱»، یعنی همان چیزی که فرد را به واسطه ویژگی‌ها و خصوصیات یگانه و منحصر به فرد او مورد شناسایی قرار می‌دهد و در عین حال از دیگران متمایز می‌سازد. نوع دیگر هویت، «هویت جمعی^۲» است که عبارت است از «تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص، چنین تعلق‌ی موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان «ما» از ماهای دیگر جدا می‌شود» (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۲). یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی هویت ملی است که «فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است» (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۹۶) و لذا دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی در درون یک جامعه است. در واقع هویت ملی مفهومی دو وجهی است که همزمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد. وقتی از هویت ملی بحث می‌شود، از یک سو، از خصوصیات سخن به میان می‌آید که به موجب آن یک ملت مورد شناسایی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، به ویژگی‌هایی اشاره می‌شود که بر مبنای آن ملت‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند. رزازی فر (۱۳۷۹) بیان داشته: «به لحاظ الگوی ایده‌آل، هویت ملی در هر جامعه، متفاوت از جوامع دیگر بوده و محدودیت‌های ابعاد آن برخاسته از ارزش‌ها و نگرش‌های آن جامعه می‌باشد» (ص ۱۰).

مفهوم هویت ملی یکی از اساسی‌ترین و جدی‌ترین مفاهیم عصر مدرن و پسامدرن است که به نظر برخی از صاحب‌نظران بعد از رنسانس به وجود آمده است (میلر، ۱۹۹۵). بنابراین این مفهوم از مفاهیم جدید علوم اجتماعی به‌شمار می‌رود. دانشنامه ناسیونالیسم که در سال ۱۹۹۰ میلادی منتشر شد، در چند مورد به‌طور گذرا به این مفهوم اشاره کرده است. اشرف (۱۳۷۳) نیز هویت ملی را، به عنوان یک پدیده سیاسی و اجتماعی، نوزاد عصر جدید می‌داند که ابتدا در اروپا پیدا شد و آنگاه از اواخر قرن ۱۹ به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. وی معتقد است هویت ملی به‌عنوان یک مفهوم علمی از ساخته‌های تازه علوم اجتماعی است که از نیمه

دوم قرن بیستم به جای مفهوم «خلق و خوی ملی» یا کاراکتر ملی^۳ در حال رواج گرفتن است. با توجه به این امر، در ایران نیز مفهوم تازه وطن و ملت و ملیت، وارد کلام سیاسی روشنفکران عهد روشنگری شد و در انقلاب مشروطه به ثمر رسید.

در ایران، موضوع هویت ملی، با توجه به تنوع فرهنگی و غنای فرهنگی چندین هزار ساله این سرزمین، از اولویت زیاد و در عین حال پیچیده‌تری برخوردار است و از جمله موضوعات بین رشته‌ای است که مورد علاقه پژوهشگران حیطه‌های گوناگون علمی (جامعه‌شناسی، تاریخ، روان‌شناسی، علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی، علوم تربیتی) قرار گرفته است. وظیفه صاحب نظران و پژوهشگران این حوزه، شناخت هویت ملی در زمان حال با توجه به ویژگی‌ها و تحولاتی است که در این مفهوم طی اعصار گذشته رخ داده تا از رهگذر آن بتوانند در جهت تقویت و تعمیق آن اقدام نمایند.

به نظر می‌رسد تحکیم و تقویت هویت ملی از طریق نظام‌های آموزشی و به ویژه آموزش و پرورش که بیشترین نیرو و سرمایه‌ی انسانی را در اختیار دارد و اصلی‌ترین نهادی است که وظیفه درونی کردن ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه را بر عهده دارد (یارمحمدیان، ۱۳۷۷) می‌تواند بهترین نهاد برای تقویت هویت ملی قلمداد شود. اما لقمان‌نیا و خامسان (۱۳۸۹) نشان دادند که نتایج پژوهش‌های بسیاری حاکی از نقص و نارسایی پرداختن به این موضوع در آموزش و پرورش و علی‌الخصوص در کتاب‌های درسی سه دوره در کشورمان است. همچنین آن‌ها با بررسی هویت ملی در میان اهداف نظام آموزشی ایران به این نتیجه دست یافتند که در اهداف تصریح شده (کلی و آموزشی) برای نظام آموزشی ایران، هویت ملی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست؛ از این رو با توجه به تأثیرگذار بودن این مقوله در زمینه‌هایی که به توسعه و تحکیم کشور مربوط است، نیاز به تجدیدنظر و بازاندیشی دارد.

برای دست یافتن به هر هدفی، مقدمه و وسایل لازم است تا مقصد دست یافتنی‌تر و هموارتر به نظر آید. بنابراین نخستین قدم در تقویت هویت ملی شناسایی مؤلفه‌های این مفهوم است. مؤلفه‌های هویت ملی ما عناصری هستند که به واسطه آن‌ها هویت ایرانی شکل می‌گیرد. در واقع مؤلفه‌ها نشان دهنده شناسایی و تمایزند و نقش اساسی در درک و تصور ما از کشور را دارند. سپس بدون مشخص شدن مؤلفه‌ها معیار مشخص و درستی وجود نخواهد داشت تا بر اساس آن بتوان به هدف اصلی که همان بررسی هویت ملی و تلاش در جهت تحکیم و تقویت آن در برنامه‌های درسی، چه در بعد شناختی و چه در بعد عاطفی، دست یافت.

طبق بررسی‌ها و مطالعات انجام شده، در مورد مؤلفه‌های هویت ملی در کشور ما توافق کلی

وجود ندارد. اندیشمندی که در این باره سخن گفته‌اند، اختلاف نظر دارند و هر کدام زاویه‌ای را برای تبیین هویت انتخاب می‌کنند (برای مثال رجوع کنید به: لقمان‌نیا، ۱۳۸۸؛ شمشیری، ۱۳۸۷؛ ظریفیان، ۱۳۸۶؛ گودرزی، ۱۳۸۵؛ صنیع‌اجلال، ۱۳۸۴؛ سید امامی، ۱۳۸۳؛ کچوییان، ۱۳۸۳؛ تاجیک، ۱۳۸۳؛ میرمحمدی، ۱۳۸۳؛ رهیاب، ۱۳۸۱). در کتاب‌های مختلف نیز برای تبیین مفهوم هویت ملی از مؤلفه‌های متفاوتی استفاده شده است (برای مثال رجوع کنید به: شمشیری، ۱۳۸۷؛ قادری، ۱۳۸۶؛ نصری، ۱۳۸۶؛ مسکوب، ۱۳۸۵؛ صنیع‌اجلال، ۱۳۸۴؛ فوزی توپسرکانی، ۱۳۸۴؛ میرمحمدی، ۱۳۸۳؛ رضایی، ۱۳۸۱؛ زهیری، ۱۳۸۱؛ افروغ، ۱۳۸۰؛ روسانی، ۱۳۸۰؛ شیخاوندی، ۱۳۸۰؛ صدر، ۱۳۷۷). همچنین در پژوهش‌های به‌عمل آمده در پایان‌نامه‌ها نیز از مؤلفه‌های متفاوتی نام برده شده است (برای مثال رجوع کنید به: لقمان‌نیا، ۱۳۸۸؛ حکمت‌دوست، ۱۳۸۸؛ بهارلو، ۱۳۸۷؛ باهری، ۱۳۸۷؛ شکیباییان، ۱۳۸۳؛ نوشادی، ۱۳۸۶؛ روستا، ۱۳۸۶؛ چگنی، ۱۳۸۶؛ کمالی‌کارسالاری، ۱۳۸۶؛ صادق‌زاده، ۱۳۸۶؛ بخشی، ۱۳۸۶؛ سخاوتی‌فر، ۱۳۸۶؛ ابوالقاسمی‌رودسری، ۱۳۸۵؛ علیرضایی، ۱۳۸۵؛ غفوری‌کله، ۱۳۸۴؛ داوری‌اردکانی، ۱۳۸۴؛ باتمانی، ۱۳۸۴؛ میرزاییگی، ۱۳۸۳؛ فیسوندی، ۱۳۸۳؛ احمدلو، ۱۳۸۱؛ شکرخانی‌خانقاه، ۱۳۷۹؛ ملاصادقی، ۱۳۷۸؛ آفازاده، ۱۳۷۷؛ میرمحمدی، ۱۳۷۳).

بنابراین عدم توافق در چستی مؤلفه‌های هویت ملی به وضوح قابل مشاهده است علاوه بر این که با وجود برخی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و تناقض‌هایی نیز در آن‌ها مشاهده می‌شود. آنچه به‌طور واضح مشخص است، تعدد و گوناگونی این مؤلفه‌ها از هر مقاله و کتاب، به مقاله و کتاب دیگری است. این تفاوت‌ها به‌طور کاملاً مشخصی در نتیجه‌گیری‌های انجام شده در پژوهش‌های مختلف، می‌تواند تأثیرگذار باشد. برای نمونه، در تحقیقاتی که در زمینه‌ی تحلیل محتوا جهت سنجش هویت ملی در کتاب‌های درسی پایه‌های مختلف انجام شده است اگر محققان مؤلفه‌های دیگری را لحاظ می‌کردند شاید نتیجه پژوهش آن‌ها چیز دیگری می‌شد. این سخن هم‌سو با نظر یکی از نتایج لقمان‌نیا (۱۳۸۸) است که اشاره می‌کند «اکثر مواردی که دانشجویان جزء مؤلفه در نظر گرفته‌اند، بیشتر به این دلیل است که بتوانند برای مثال کار تحلیل محتوای خود را انجام دهند. به همین دلیل مصادیق بسیاری را جزء مؤلفه‌های هویت ملی قلمداد کرده‌اند. همچنین ذکر مؤلفه‌ها بدون در نظر گرفتن منبع خاص و با توجه به نظر شخصی و یا نهایتاً استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور در اکثریت پایان‌نامه‌های مورد بحث از ضعف‌های اساسی در پژوهش‌های یاد شده است» (ص ۱۴۳).

بنابراین لازم است در پژوهشی مستقل، مؤلفه‌های هویت ملی از منظری دیگر مورد بررسی

قرار گیرد. به این علت در این پژوهش از «نظریه داده بنیاد» استفاده شده است. به نظر می‌رسد برای دست یافتن به یک توافق و اجماع کلی در مورد مؤلفه‌های هویت ملی استفاده از این روش بتواند افق‌های جدیدی را روشن نماید تا با به کارگیری این مؤلفه‌ها در اهداف، محتوا و دیگر عناصر برنامه درسی، بتوان گام‌های مؤثرتری در جهت تقویت و تعمیق هویت ملی برداشت.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای در ارتباط با هویت ملی و ارتباط آن با برنامه‌های درسی در ایران انجام شده است. برای مثال:

در ارتباط با تحلیل محتوای هویت ملی در برنامه‌های درسی دوره‌های سه‌گانه می‌توان به شکری‌خانقاه (۱۳۷۹) و شکیباییان (۱۳۸۳) در دوره ابتدایی؛ حکمت‌دوست (۱۳۸۸)، کمالی‌کارسالاری (۱۳۸۶) و نوشادی (۱۳۸۶) در دوره راهنمایی و بهارلو (۱۳۸۷)؛ صادق‌زاده (۱۳۸۶) و علیرضایی (۱۳۸۵) در دوره دبیرستان اشاره نمود که همگی اتفاق نظر دارند که توجه متعادلی به مقوله هویت ملی در کتاب‌های درسی نشده است و این مقوله در این کتاب‌ها جایگاه مطلوب و قابل توجهی ندارد. در پژوهش‌های دیگر نیز می‌توان به لقمان‌نیا و خامسان (۱۳۸۹)، مهدوی و پیلتن (۱۳۸۸)، منصوری و فریدونی (۱۳۸۸)، لقمان‌نیا (۱۳۸۸)، عبدی و لطفی (۱۳۸۷)، ربانی (۱۳۸۲)، توکلی نیک (۱۳۸۰)، کفایش و فریدی (۱۳۷۵)، طالبی (۱۳۷۸) و ملاصدیقی (۱۳۷۸) اشاره نمود. از تحقیقات انجام شده مرتبط با نظریه داده بنیاد نیز می‌توان به مقاله فراستخواه (۱۳۸۷) و رساله دکتری ایمانی‌جاجرمی (۱۳۸۴) اشاره نمود. اما از میان پژوهش‌های انجام شده که مرتبط با موضوع هویت ملی بوده و از نظریه داده بنیاد استفاده کرده باشد می‌توان به مقاله حبشی^۴ (۲۰۰۸) تحت عنوان «هویت ملی، پیشه‌کودکان فلسطینی» اشاره نمود. این مقاله تفسیر^۵ کودکان فلسطینی را در زمان معاصر، که با تصویری از «خود» و «دیگران»^۶ درهم تنیده شده است مورد بررسی قرار داده و از نظریه داده بنیاد برای تحلیل داده‌ها (مصاحبه‌ها) استفاده کرده است. داده‌هایی که از مصاحبه با ۱۲ کودک فلسطینی در جریان رویداد ۲۰۰۱ جمع‌آوری شده‌اند. مشارکت-کنندگان بین ۱۰ الی ۱۳ سال سن داشتند که شامل چهار کودک (۲ دختر و ۲ پسر) برای هر یک از سه منطقه جغرافیایی مختلف بودند (شهرها، اردوگاه‌های آوارگان و روستاهای کرانه باختری). سؤالات مصاحبه نیز شامل این موارد بوده است: شما یک شخص فلسطینی را چگونه تعریف می‌کنید؟ از کجا درباره فلسطین آگاهی پیدا کردید؟ تاریخ فلسطین

چیست؟ چه کسی فلسطینیان را آواره می‌کند؟ در مورد موقعیت فعلی و آینده فلسطین چه فکری می‌کنید؟ همه این مصاحبه‌ها در جریان قیام دوم انتفاضه در اراضی اشغالی در کرانه باختری و نوار غزه انجام شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که مشخصه هویت ملی کودکان، نشان می‌دهد عوامل جغرافیای سیاسی، بیش از موجودیت مجزای کودکان که به مرور زمان ایجاد شده است، اهمیت دارد. عامل جغرافیای سیاسی کودکان فلسطینی از هویت ملی، شامل آسیب‌های روانی، تجربه سیاسی تاریخی و آگاهی جمعی به‌علاوه تفکراتشان از واقعیت سیاسی معاصر می‌شود.

روش

روش این پژوهش نوع خاصی از پژوهش کیفی به نام نظریه داده بنیاد^۸ است. نظریه داده بنیاد، هم ابزاری است برای ایجاد نظریه و هم تکنیکی است برای انجام پژوهش‌های کیفی. البته تعریف دقیقی از این روش وجود ندارد و لذا معمولاً برای آن طیفی از تعاریف بر مبنای واژه‌های تخصصی در منابع گوناگون ارائه شده است که خود می‌تواند درک این روش را برای پژوهشگران مبتدی تا حدودی مشکل سازد.

به دلیل نو بودن این روش در جامعه علمی ایران، این مفهوم در اندک کتاب‌های موجود، به‌گونه‌های متفاوتی به فارسی برگردانده شده است. برای مثال بیبی (ترجمه رضا فاضل، ۱۳۸۴) «نظریه بازکاوی» محمدی (۱۳۸۷) که به شکل مبسوط‌تری این روش را توضیح داده، «نظریه مبنایی» و «نظریه داده‌محور» اصطلاحی است که جلیلی (۱۳۸۷) برای این مفهوم برگزیده‌اند. همچنین ذکایی (۱۳۸۱) در مقاله خود اصطلاح «نظریه میدانی» را به کار برده است. در این میان فقط ترجمه جلیلی مناسب به نظر می‌رسد. اما به نظر می‌رسد مناسب‌تر است که اصطلاح «نظریه داده بنیاد» به کار گرفته شود.

اگرچه هر یک از رویکردهای مختلف برای تفسیر داده‌ها اهمیت متفاوتی قایل‌اند، با این حال تفسیر داده‌ها در قلب پژوهش کیفی جای دارد. در روش نظریه داده بنیاد نیز تفسیر داده‌ها، نقش اصلی و محوری را در فرایند تحقیق ایفا می‌کند. می‌توان نظریه داده بنیاد را «یک روش تحقیق کیفی که مجموعه منظمی از رویه‌ها^۹ را برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقراء در مورد یک پدیده به‌کار می‌گیرد» تعریف نمود (استراوس و کوربن^{۱۰} ۱۹۹۰، ص ۲۴). با این حال می‌توان به سه مرحله کدگذاری باز^{۱۱}، کدگذاری محوری^{۱۲} و کدگذاری گزینشی^{۱۳} برای دست یافتن به نظریه و یا مدل نظری اشاره نمود.

ابزار و نمونه

در نظریه داده بنیاد از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود و تصمیم برای انتخاب نمونه در جریان فرایند پژوهش سازمان می‌یابد. در این روش، نمونه‌گیری به شیوه‌ای که در پژوهش‌های کمی انجام می‌شود، مطرح نیست؛ به عبارت دیگر گستره جمعیت اصلی و ویژگی‌های آن از پیش مشخص و شناخته شده نیست. از طرف دیگر نقطه شروع در نظریه داده بنیاد کار آسانی نیست و این حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا گام‌های آغازین پژوهشگر در رسیدن به نظریه را پایه‌ریزی می‌کند. یکی از مفروضات زیربنایی نظریه داده بنیاد این است که داده‌های ناشی از نظریه‌های گذشته نباید جریان تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها را جهت دهد. همچنین مرحله اولیه تحقیق بر مبنای نظریه داده بنیاد، ماهیتی اکتشافی دارد (گلایزر، ۲۰۰۲). بنابراین در این پژوهش سعی شد در نقطه شروع از گروهی استفاده شود که جمع‌آوری داده‌های مرتبط با نظریه تسریع شود. به همین دلیل مصاحبه با صاحب‌نظران کلیدی به عنوان نقطه آغازین تحقیق در نظر گرفته شد. مصاحبه انجام گرفته در این تحقیق با توجه به تخصصی بودن موضوع (مؤلفه‌های هویت ملی) از نوع «مصاحبه با متخصصان» محسوب می‌شود. افراد مورد مصاحبه ۹ نفر بودند که به شکل هدف‌مند انتخاب شدند. آن‌ها بر اساس ارتباط با موضوع تحقیق، و به سبب اطلاعات، تجربه یا دیدگاهی که درباره موضوع مورد مطالعه داشتند، انتخاب و در جریان تحقیق مشارکت داده شدند. همچنین با توجه به ماهیت بین رشته‌ای بودن هویت ملی سعی شد از متخصصان در رشته‌های مختلفی همچون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ، جغرافیای سیاسی و علوم تربیتی استفاده شود. در زمان مصاحبه، شش سوال اصلی، با توجه به هدف و روش تحقیق، از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد. این سؤالات عبارت بودند از:

۱. شما یک فرد ایرانی را چگونه تعریف می‌کنید؟
۲. تعریف و تلقی شما از هویت ملی چیست و چگونه آنرا مفهوم‌سازی می‌کنید؟
۳. به نظر شما آیا هویت ملی و هویت اسلامی دو مقوله جدا از هم‌اند یا هر دو به یک مفهوم اشاره دارند؟
۴. مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت ملی، و به عبارت دیگر مؤلفه‌هایی که بر اساس آن‌ها، هویت ملی ما ایرانیان شکل می‌گیرد و باعث شناسایی ما به عنوان یک ایرانی می‌شود کدام‌اند؟
۵. مؤلفه‌ها از نظر شما دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟
۶. به نظر شما از میان مؤلفه‌های هویت ملی، کدام یک از دوران باستان تا به امروز نقش و اهمیت خود را حفظ کرده و عامل ثبات این مؤلفه‌ها در طول تاریخ، با توجه به چالش‌های مختلف چه بوده است؟

در این روش سؤال اساسی این است که تا چه هنگام باید به روند مصاحبه‌ها ادامه داد و آن را تا کجا پیش برد؟ در پاسخ به این سؤال گلنیز و استراوس (۱۹۶۷) معیار «اشباع نظری^{۱۴}» (یک مقوله یا جزء آن) را پیشنهاد می‌کنند: «اشباع نظری مقوله، مبنای داوری درباره زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است» (ص ۶۱). در واقع نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی به پایان می‌رسد که دیگر چیز جدیدی به دست نیاید.

محمدی (۱۳۸۷) معتقد است که نظریه داده بنیاد در هنگام گردآوری داده‌ها محدودیتی برای خود قایل نیست و در این روش پژوهشگر می‌تواند از منابع و فنون گوناگون برای گردآوری داده‌های پژوهش خود بهره گیرد. وی این تنوع را بسیار سودمندتر از محدود شدن به یک روش یا به نوع خاصی از داده‌ها می‌داند. بنابراین سعی شد در ادامه فرایند نمونه‌گیری نظری، منابعی جستجو شود که بتوان سریع‌تر به نظریه دست یافت. با توجه به این که «نمونه‌ها ضرورتاً از افراد تشکیل نمی‌شوند و ادبیات تخصصی و نظری مربوط به یک حوزه نیز می‌تواند به مثابه یادداشت‌های یک تحقیق میدانی، واحد داده‌ها و تحلیل تلقی شود» (ذکائی، ۱۳۸۱، ص ۵۹)، بنابراین معرفی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری انجام شده در زمینه هویت ملی - در پایان این پژوهش - در دستور کار قرار گرفت تا داده‌های بیشتری جمع‌آوری شود.

در این مرحله تلاش شد از اکثر پایان‌نامه‌های انجام شده (البته با توجه به محدودیت‌های موجود) استفاده شود. برای دستیابی به همه پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع هویت ملی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری، از کتابخانه ملی، کتابخانه استان قدس رضوی، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران^{۱۵} و سایت جهاد دانشگاهی^{۱۶} استفاده شد. علاوه بر آن به‌علت کامل نبودن پایگاه‌های اطلاعاتی در ایران و برای دستیابی بهتر به نتایج، به دانشگاه‌های مختلف ایران مراجعه شد تا نتایجی کامل و با اطمینان‌تر حاصل شود. در مجموع تعداد کل پایان‌نامه‌های مطالعه شده ۴۵ مورد بود که به تفکیک عبارتند از: کتابخانه ملی ۱۷ پایان‌نامه (شامل ۱۴ پایان‌نامه از دانشگاه آزاد و ۳ پایان‌نامه از دانشگاه مازندران)، دانشگاه الزهرا ۵ پایان‌نامه، دانشگاه تهران ۸ پایان‌نامه، دانشگاه تربیت مدرس ۵ پایان‌نامه، دانشگاه علامه طباطبایی ۲ پایان‌نامه، دانشگاه مشهد ۲ پایان‌نامه، دانشگاه شیراز ۴ پایان‌نامه و دانشگاه بیرجند ۲ پایان‌نامه.

در این مرحله از نمونه‌گیری نظری، به سه شکل اشباع نظری ایجاد شد. اول از آن جهت که مفاهیم حالت تکراری داشت و دوم به دلیل دستیابی به مفاهیم گسترده‌تر به‌طور مکرر مفاهیم جدیدی به‌دست می‌آمد و سوم از آن جهت که تقریباً تمامی پایان‌نامه‌های مرتبط با مبحث هویت ملی مطالعه شده بود، مشخص شد که داده‌ها به اشباع رسیده است.

بعد از جمع‌آوری اطلاعات از پایان‌نامه‌ها و در روند نمونه‌گیری نظری، برای اطمینان بیشتر در دستیابی به همه داده‌های مرتبط با مبحث این پژوهش، و برای استحکام بیشتر در رسیدن به مدل نظری تلاش شد تا تمامی کتاب‌های مرتبط با هویت ملی نیز مطالعه و تحلیل شوند. بدین منظور از کتابخانه ملی ایران، برای مطالعه تمامی کتاب‌ها، بدین گونه استفاده شد که واژه «هویت ملی» به صورت کتاب - عنوان، کتاب - موضوع، کتاب - پدیدآور، مورد جستجو قرار گرفت. به علت مشابهت و نزدیکی واژه هویت ایرانی با هویت ملی، واژه هویت ایرانی نیز در جستجوی کتب مد نظر قرار گرفت. ۱۷۴ کتاب در این مرحله یافت شد که ۳۰ مورد به دلیل یکسانی و ۹۳ مورد به دلیل ناهمخوانی با موضوع پژوهش حذف شدند. در نتیجه ۵۱ کتاب در مرحله نهایی انتخاب شد که از این تعداد ۴۳ کتاب مورد مطالعه قرار گرفت. لازم به ذکر است ۸ کتاب نیز به علت عدم دسترسی مورد مطالعه قرار نگرفت که از این بین، ۳ کتاب در اولویت اول بودند و بقیه نیز در اولویت‌های بعدی قرار داشتند. در مطالعه کتب مذکور مواردی جستجو شد که به هدف تحقیق مرتبط بودند. زمان اشباع نظری در مورد این کتاب‌ها نیز همانند پایان‌نامه‌ها بود؛ یعنی به علت تکراری بودن از یک طرف و مطالعه و تحلیل اکثر کتاب‌ها از طرف دیگر، به جمع‌آوری داده‌ها پایان داده شد. لازم به توضیح است که با توجه به دورانی بودن و تنیده بودن مراحل نظریه داده بنیاد در هر مرحله از نمونه‌گیری نظری که بیان شد (مصاحبه‌ها، پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها)، تحلیل و کدگذاری نیز انجام گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

اولین مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روش نظریه داده بنیاد، با استفاده از کدگذاری نظری انجام می‌شود. «کدگذاری نظری روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به منظور تدوین یک نظریه در نظریه داده بنیاد گردآوری شده‌اند. این روش را گلیزر و استراوس (۱۹۶۷) مطرح کردند و بعدها توسط گلیزر (۱۹۷۸)، استراس (۱۹۸۷)، و استراوس و کوربن (۱۹۹۰ و ۱۹۹۸) بسط پیدا کرد» (فلیک، ترجمه هادی جلیلی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۹).

کدگذاری نظری شامل سه مرحله است که عبارتند از «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری گزینشی». البته نباید این سه نوع کدگذاری را متمایز از یکدیگر، یا مرحله‌ای به لحاظ زمانی مجزا در فرایند تفسیر، به شمار آورد. بلکه این‌ها روش‌هایی مختلف برای کار با داده‌های متنی هستند که محقق در صورت نیاز آن‌ها را جابه‌جا یا با هم تلفیق می‌کند. با این حال، فرایند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرایند تحلیل، کدگذاری گزینشی بیشتر مطرح می‌شود» (فلیک، ترجمه هادی جلیلی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۹).

کدگذاری باز مرحله اول کدگذاری در نظریه داده بنیاد است و هدف اصلی آن این است که داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم تشکیل شوند. در این مرحله تلاش شد تا روند تحلیلی اصلی در کدگذاری باز که استراوس و کوربین (۱۹۹۰) آن را عبارت می‌دانند از: «طرح پرسش درباره داده‌ها، مقایسه وقایع، رویدادها و سایر پدیده‌ها بر اساس مشابهت‌ها و تفاوت‌هایشان و سپس دادن عنوانی مشترک به رویدادها و حوادث مشابه و قرار گرفتن در یک مقوله» (ص ۷۴) عمل شود که در زیر به این موارد پرداخته شده است.

در پژوهش حاضر ۲۳۰ کد باز به دست آمد. این کدها در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است. برای درک بهتر، نحوه انجام کدگذاری باز بر روی دو نمونه از مصاحبه‌ها، در زیر آورده شده است.

مصاحبه با کد ۲:

«... چون آن کسی که در خارج از کشور است، باز ایرانی است و آن کسی که مسلمان نیست باز ایرانی می‌تواند باشد، چون اکثر مؤلفه‌ها را دارد. مثل ارمنی که ایرانی است، مسلمان نیست ولی بالاخره ایرانی است. حتی در واقع ارمنی بودنش با ارمنی بودن آن ارمنی که در جمهوری‌های شمال ایران است متفاوت است».

از این متن مفاهیم «ما و دیگران» و «احساس تعلق به ایران» به دست آمد.

مصاحبه با کد ۴:

«ایرانی با مشاهده افول مجد و عظمت ملی پس از دوران شکوفایی عصر صفوی به‌ویژه پس از جنگ‌های ویرانگر دو سده گذشته که شکست‌هایی را به همراه داشت و تمامیت سرزمینی کشور را تهدید نمود در پی یافتن علل و راه‌کارهای برون‌رفت از این بحران‌ها برآمد و علت‌العلل را در استبداد و استعمار دید و بر این اساس ایران زمین شاهد خیزش‌ها و جنبش‌ها و نهضت‌های فراوانی برای پاسخ‌گویی به مطالبات ملی در این زمینه بود».

از این متن مفاهیم «توجه به سرزمین»، «خلاقیت»، «غیرت»، «استعمارستیزی» و «عرق ملی»^{۱۷}

به دست آمد.

جدول ۱: فهرست ۲۳۰ مفهوم به دست آمده در کدگذاری باز

احساس همدلی	خوشنویسی	پندار نیک	شاهنامه	فولکلور	پیوستگی
باورها و اعتقادات ملت	روح معنویت و توحید	جان‌فشانی در راه میهن	تعلق خاطر به سرزمین	فرهنگ جدید غربی	تعلق عاطفی به مظاهر دینی
نشاط و غم مشترک	آداب و سنن کهن	ویژگی‌های مشترک	قهرمانان ملی و مذهبی	احساس جمعی مشترک	کل به هم پیوسته
تغییر پذیر بودن	ضرب‌المثل‌ها	تمایز بخشی	مهرگان	یگانه‌پرستی	ادب پارسی
آگاهی از دولت	ایران دوستی	ادبیات	دین‌گرایی	تاریخ ایران	سرزمین ایران
انسجام	زبان فارسی	کیستی ما	سیال بودن	«ما»ی جمعی	یکپارچگی
سازماندهی رفتار نسبت به مکان	آگاهی از ویژگی‌های ملی	ایجاد دلبستگی عاطفی	رفتارهای تاریخی مشترک	حس روان‌شناسی فردی و جمعی	وابستگی رفتاری و عینی
مردم سالاری	حس مکانی	اسم فارسی	قالی بافی	کردار نیک	حافظ
نوع پوشش نسبت به مکان	توجه به حقوق بشر و آزادی	طبق تعریف قوانین	ویژگی‌های ورزشی	جذب و انطباق (بومی کردن)	انگیزه‌های اجتماعی
احساس وابستگی	تعلق به ائمه	رابطه نژادی	جلوه‌ها	معماری	خط نستعلیق
مشترک بودن از لحاظ فرهنگی	احساس ایرانی کردن	مدارک رسمی ایرانی	متفاوت بودن با دیگران	احساس تعلق به تاریخ ایران	احساس تعلق به ایران
احساس مسولیت نسبت به خاک	هویت اجتماعی	مردم‌سالاری دینی	احساس مشترک	ارزش‌های مشترک	تاریخ شناخته شده
شناسنامه ایرانی	خانواده	القاب	محل سکونت	ارزش‌های ملی	سیزده به در
ویژگی‌های مکان	مکان	ایرانیّت	اسلامیت	متولد ایران	ما
تساهل و سازگاری نژادی و زبانی	احساس روان-شناختی مشترک	شعر فارسی	احساس تعلق به فرهنگ ایران	مشترک بودن با همه‌ی ایرانی‌ها	سوابق اجتماعی کم و بیش مشترک
توجه به احکام و دستورات دینی	تساهل و باز بودن	تعهد و وفاداری ملی	تعلق به پیشینه تاریخی	آگاهی و اطلاعات دینی	احساس تعلق به خاک
محدوده سیاسی	منافع مشترک	عزت ملی	مقاومت	ابتکار	روحیه استقلال
توجه به انجمن‌ها	دیگران	ملت	جمهوریت	اصالت	عدالت دوستی
گفتار نیک	احزاب سیاسی	خلافت	خلیج فارس	فردیت عارفانه	میراث فرهنگی
توجه به بزرگان دینی-مذهبی	داشتن پدر یا مادر ایرانی	برابری در قبال قانون	معرفت و جوانمردی	فردیت مسؤل و آزادی معقول	چند قومی بودن

جهان‌بینی ایرانی	دفاع مقدس	وحدانیت	دیگر شناسی	خصلت ملی	زندگی در ایران
خاطرات سیاسی مشترک	توجه به پارلمان مجلس	منافع دفاعی و امنیتی	تعاملات بین فرهنگی	هم‌زیستی فرهنگی	آگاهی داشتن نسبت به ایران
دوران باستان	فرهنگ معنوی	سنت	سرود ملی	اعتدال	مهمان‌نوازی
هنجارهای ملی	نژاد	عرق ملی	موسیقی ایرانی	افتخارات ملی	مردم ایران
اسطوره‌های ملی	دولت	تابعیت	امت	اجتماع	کوه دماوند
رابطه خونی	گوروش	منافع ملی	خودشناسی	قانون اساسی	حقوق مشترک
دولت-ملت	فردوسی	تمدن	حماسه‌ها	عدالت طلبی	استقلال ملی
پوشیدن لباس مشکی در روز عزا	تخت جمشید	عُرف	انیستیتوسپیون‌های مشترک	مبانی اعتقادی دینی-مذهبی	احساس تعلق به ایران
لباس ایرانی	هنر	تجدد	ملیت	پرچم	مشروطیت
ارزش‌های انسانی	تعلق ملی	تجدد	امام خمینی	هویت	نخبگان
توجه به مناسک دینی - مذهبی	منافع سیاسی مشترک	لزش‌های جامعه‌ای	افتخار آمیز بودن	توجه به انتخابات	مهدویت و انتظار
استعمار ستیزی	میهن دوستی	تبار	مولوی	ریشه	عزم ملی
پول رسمی ایران	دموکراسی	تقویم	سعدی	آثار منظوم ادبی	طبقات
حاکمیت ملی	هویت مکانی	مرز	شب یلدا	نوروز	ولایت مداری
جامعیت داشتن	هدف‌های ملی	فرهنگ	مذهب تشیع	شیعه	بناهای تاریخی
فرهنگ مادی	اخلاق و رفتار	آریایی	تعارف کردن	مثنوی معنوی	اعیاد
ایجاد چسبندگی	منافع اقتصادی	ناسیونالیسم	انقلاب اسلامی	غیرت	وحدت‌بخش
دولت ایران	پویایی				

در گام بعدی، کدهای به دست آمده در کدگذاری باز بر اساس پدیده‌های کشف شده در داده‌ها که مستقیماً به سؤالات تحقیق مربوط می‌شد، دسته بندی شدند. این کدها باید به شکل بارزتری نمایانگر محتوای سؤالات باشند. بدین منظور تلاش شد مفاهیم ۲۳۰ کد باز بر اساس سؤالات مصاحبه‌ها طبقه‌بندی شوند. یعنی مفاهیمی که مرتبط با هر یک از سؤالات تحقیق بود به صورت جداگانه در همان سؤال در نظر گرفته شد. در طبقه‌بندی مفاهیم به دست آمده از متن، مفاهیم باید دارای نام و عنوانی باشند که دربرگیرنده ارتباط بین مفاهیم است. بدین منظور از آثار

و ادبیات علوم اجتماعی (کدهای برساخته) یا از اصطلاحات مصاحبه شوندگان (کدهای درونی) استفاده می‌شود. در این تحقیق از کدهای درونی استفاده شد. به اعتقاد فلیک (۱۳۸۷) این کدها بر کدهای برساخته ترجیح دارند چون به داده‌های مورد مطالعه نزدیک‌ترند. نتایج این قسمت با توجه به سؤال اول و دوم در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: طبقه‌بندی مفاهیم به‌دست آمده از نمونه‌های تحقیق بر اساس سؤالات مصاحبه

تعداد	مفاهیم به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها با توجه به ارتباطی که با هر سؤال دارند	نام طبقه	سؤالات مصاحبه
۵۳ کد	طبق تعریف قوانین، شناسنامه ایرانی، احساس ایرانی کردن، مدارک رسمی ایرانی داشتن، احساس تعلق به فرهنگ ایران، احساس تعلق به تاریخ ایران، سیزده به در، ارزش‌های ملی، ویژگی‌های مکان، جلوه‌ها، حس مکانی، ویژگی‌های ورزشی، نوع پوشش نسبت به مکان، احساس تعلق به خاک، احساس مسولیت به خاک، سازماندهی رفتار نسبت به مکان، متولد ایران، ما و دیگران (خودشناسی و دیگر شناسی)، احساس وابستگی، ایرانیت، اسلامیت، کدام خانواده، القاب، محل سکونت، متفاوت بودن با دیگران، مشترک بودن با همه ایرانی‌ها، تعلق به پیشینه تاریخی، میراث فرهنگی، محدوده سیاسی، جمهوریت، مکان، هویت اجتماعی، مشترک بودن از لحاظ فرهنگی، منافع مشترک، عزت ملی، مقاومت، ابتکار، خلاقیت، غیرت، مردم‌سالاری دینی، روحیه استقلال، اصالت، عدالت دوستی، چند قومی بودن، قانون اساسی، دفاع مقدس، داشتن پدر یا مادر ایرانی، زندگی در ایران، رابطه خونی و نژادی، احساس ایرانی بودن، آگاهی داشتن نسبت به ایران، احساس تعلق به ایران	فرد ایرانی	سؤال اول: شما یک فرد ایرانی را چگونه تعریف می‌کنید؟
۱۵ کد	کیستی ما، «ما»ی جمعی، احساس جمعی مشترک، ارزش‌های مشترک، باورها و اعتقادات ملت، آگاهی از ویژگی‌های ملی، آگاهی از دولت، رفتارهای تاریخی مشترک، انقلاب اسلامی، احساس مشترک، احساس همدلی، پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، جذب و انطباق (بومی کردن)	هویت ملی	سؤال دوم: تعریف و تلقی شما از هویت ملی چیست و چگونه آن را مفهوم‌سازی می‌کنید؟

در ادامه روند دسته‌بندی کردن مفاهیم مطابق هر سؤال مصاحبه، با توجه به این‌که پنجمین سؤال در مورد ویژگی‌های مؤلفه‌های هویت ملی بود، کدهای به‌دست آمده از این طبقه نتیجه ارزشمندی در مورد ویژگی‌های مؤلفه‌های هویت ملی را نمایان ساخت که در کمتر منابعی به آن

اشاره شده است. این موارد عبارتند از:

۱. مؤلفه‌ها باید نشان‌دهنده کیستی و چیستی و نشان‌دهنده تمایز و تفاوت باشند؛
 ۲. مؤلفه‌ها باید متغیر و سیال باشند (مؤلفه‌ها باید انعطاف‌پذیر باشند)؛
 ۳. مؤلفه‌ها باید عامل وحدت و انسجام در کشور باشند. (چسبندگی ملی)؛
 ۴. مؤلفه‌ها باید جایگاه ملت ما را در جامعه جهانی تعریف کنند؛
 ۵. مؤلفه‌ها باید حقیقی باشند نه غیر واقعی و سیاست زده؛
 ۶. مؤلفه‌ها باید عینی باشند و در جامعه ملموس و قابل مشاهده باشند نه انتزاعی و غیر عینی؛
 ۷. مؤلفه‌ها باید اکثریت افراد جامعه را در بر گرفته و مورد پذیرش آنان باشند؛
 ۸. مؤلفه‌ها باید افتخارآمیز باشند و تمامی مردم به آن ببالند (افتخارآمیز بودن)؛
 ۹. مؤلفه‌ها باید از جامعیت برخوردار باشند، یعنی دارای ویژگی‌های بارز باشند (یعنی مؤلفه‌های اصلی از زیر مؤلفه‌ها جدا شوند. برای مثال «نماد» می‌تواند مؤلفه اصلی و پرچم زیر مؤلفه آن قلمداد شود؛ و یا تقویم رسمی که مختص ایران است به تنهایی قابلیت مؤلفه اصلی بودن را ندارد و بهتر است در زیر مجموعه مؤلفه اصلی آورده شود).
- دو مورد از مصاحبه‌ها که مربوط به مبحث ویژگی‌های هویت ملی است، برای نمونه در زیر آورده شده است.
- مصاحبه با کد یک:

«... به نظر می‌رسد سیالیتی در این عناصر وجود داشته باشد. البته گاهی اوقات این تاثیر، تغییر در اصل موضوع نیست، در محتوا است. مثلاً در بحث پرچم، بالاخره عنصر هویت است ولی این که این پرچم یک پرچم سه رنگ باشد با آرم شیر و خورشید، یا پرچمی سه رنگ باشد با آرم جمهوری اسلامی، این ممکن است تغییر پیدا کند. یا بحث خود اسلام را در نظر بگیریم. اسلام به عنوان یک عنصر هویتی است. اگر برگردیم به ۱۵۰۰ سال قبل، اسلام جزء عناصر هویتی ایرانی نبوده است. در واقع ورود اسلام به ایران و عجین شدن آن با مردم ایران آنرا به عنوان عنصر هویتی مطرح کرده است. حتی در شروع ورود اسلام به ایران، احتمالاً تا سال‌ها طرح این موضوع، که اسلام یکی از مؤلفه‌های هویتی است، بی‌معنا بوده است. چون هنوز اسلام به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویتی در درون جامعه هضم نشده بود که به عنوان یکی از عناصر هویتی قلمداد شود.»

مصاحبه با کد دو:

«... هویت را باید مثل رودخانه دانست. رودخانه بستر ثابتی دارد ولی حرکت می‌کند. یعنی در طول تاریخ خیلی اتفاقات می‌افتد، خیلی تغییرات حاصل می‌شود ولی رودخانه باز رودخانه است. آمازون، آمازون است هرچند خیلی تغییرات دارد؛ حرکت دارد و پویاست. کارون کارون

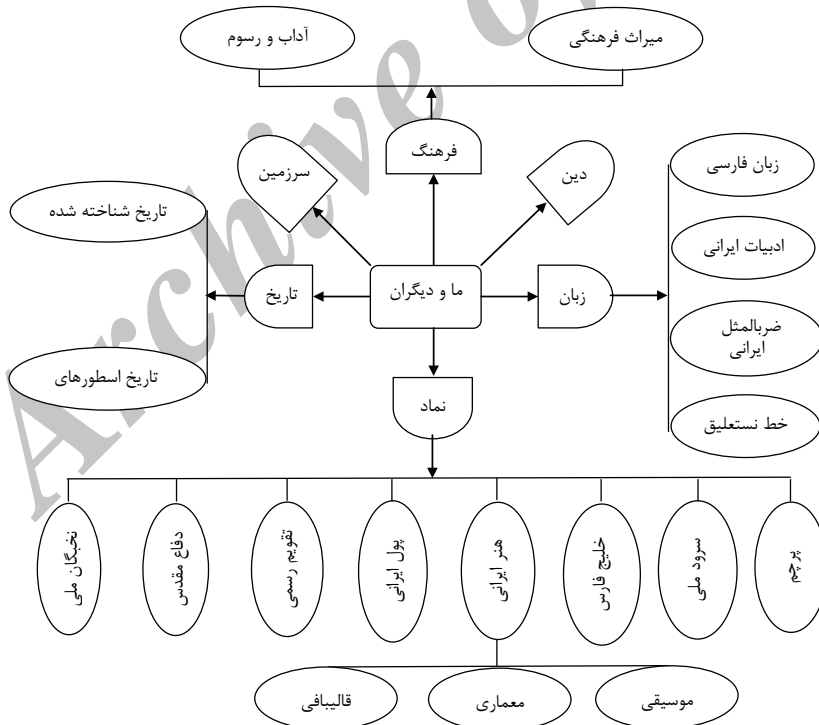
است. درست است که تغییراتی دارد ولی رودخانه کارون کارون است. بسترش کارون است. بستر ایرانیت، بستر این هویت است. چیزهایی می‌آید، تغییراتی می‌کند، پویایی دارد و باید این پویا بودنش را در نظر گرفت».

پس از اتمام مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری به عنوان دومین مرحله از کدگذاری آغاز و فرایند مرتبط کردن مقوله-های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر را شامل می‌شود. در این مرحله از میان کدهای به دست آمده از کدگذاری باز، آن‌هایی که به نظر رسید بیش از سایرین در مراحل بعدی به کار می‌آیند، انتخاب شدند. در واقع این مرحله پالایش‌دهنده، تفکیک کننده، انسجام‌دهنده و منظم کننده مفاهیم در کدگذاری باز است.

هدف اصلی این مرحله کاهش دادن مجموعه اولیه کدها به چارچوب تبیینی مقوله‌هایی سطح بالا است. این کار هم با مرتبط کردن مقوله‌ها با یکدیگر به هر نحو ممکن و هم با شکستن مقوله‌ها در واحدهای کنترل پذیرتر انجام گرفت. همچنین در این مرحله سعی شد به مفاهیم مشابه به دست آمده در کلیه سؤالات پژوهش که در جدول شماره ۲ آمده‌اند، عنوانی داده شود. انتخاب نام مقولات بر اساس مفاهیم مشترک و مشابهی است که از کدگذاری باز به دست آمده است. یعنی عنوان یک مقوله پیوند دهنده و ارتباط دهنده مفاهیمی است که با هم مرتبط یا مشابه‌اند. لازم به توضیح است که مقولات قدرت مفهومی بالاتری دارند زیرا قادرند بسیاری از مفاهیم و یا خرده مقولات را با یکدیگر پیوند دهند. با توجه به توصیفاتی که گذشت در این مرحله از کدگذاری، ۱۱۸ کد در ۱۳ مقوله قرار داده شد که این مقوله‌ها شامل مقوله‌ی اقتدار، مکان، ایران، ملی، دین، تعلق، آگاهی، وحدت، احساس، اشتراکات، فرهنگ، نماد و مقوله آداب و سنن می‌باشند. برای مثال در مقوله ملی مواردی همچون استقلال ملی، عزت ملی، هنجارهای ملی، افتخارات ملی، ادبیات ملی، ارزش‌های ملی، مشترکات ملی، اعیاد و جشن‌های ملی و قهرمانان ملی قرار داشتند و در مقوله نماد مفاهیمی همچون پرچم، سرود ملی، تقویم، شاهنامه، امام خمینی، حافظ، سعدی، مولوی، کوروش، پول رسمی ایران، کوه دماوند و دفاع مقدس قرار داشت.

سومین و آخرین مرحله از کدگذاری کدگذاری گزینشی است که کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در واقع در این مرحله است که محقق بر اساس داده‌های خود به نظریه می‌رسد. یکی از مهم‌ترین و مشکل‌ترین مراحل تحقیق بر مبنای نظریه داده بنیاد، تشخیص و تعیین زمان به پایان رساندن آن است. فلیک (۱۳۸۷) این مرحله را بر عهده محقق می‌گذارد که درباره نحوه انتخاب و زمان ختم (نمونه‌گیری و کدگذاری) تصمیم بگیرد. به اعتقاد رنی (۱۹۹۸) بعد از تولید چند مقوله سطح بالا محقق نیازمند تشخیص مفهوم کلیدی^{۱۸} است که نظریه را سازمان می‌دهد. این مفهوم کلیدی که یک مقوله سطح بالا است توسط گلیرز (۱۹۷۸) به عنوان «مقوله مرکزی یا هسته‌ای»^{۱۹} نامیده می‌شود. در این مرحله وظیفه اصلی محقق تشخیص رشته یا ارتباط

مفهومی است که همه مقوله‌های سطح بالاتر را به یکدیگر پیوند داده و وصل می‌کند. در تحقیق حاضر، بعد از چندین بار مطالعه و رفت و برگشت‌هایی که میان داده‌ها و مفاهیم و مقوله‌ها و کدها صورت گرفت، متوجه شدیم که یک مقوله بیش از همه در داده‌ها و مصاحبه‌ها خود را نمایان می‌سازد. این مقوله که مقوله مرکزی یا هسته‌ای تحقیق حاضر است با عنوان «ما و دیگران» انتخاب شد. علت انتخاب این عنوان این است که همه مفاهیم و مقوله‌ها به نوعی به آن اشاره می‌کردند. برای مثال در سؤال شماره یک که توصیف فرد ایرانی بود، همه مصاحبه شوندگان، برای پاسخ دادن به آن ویژگی‌ها و خصوصیتی را بر می‌شمردند که به واسطه آن ما (ایرانی‌ها) از دیگران (ایرانی‌ها یا غیر ایرانی‌ها) متمایز می‌شد و بقیه سؤال‌ها نیز همگی بر این مسئله تأکید می‌کردند و صفاتی را مطرح می‌کردند که به واسطه آن «ما» مورد شناسایی قرار می‌گرفت و از طرف دیگر به واسطه همین صفات و ویژگی‌ها از «دیگران» جدا می‌شد. در نهایت بر مبنای مقوله مرکزی و کدگذاری محوری، مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در مرحله کدگذاری گزینشی استخراج شد که نتیجه در شکل یک نشان داده شده است.



شکل ۱: مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد، با اتخاذ یک روند علمی مناسب، بر روی مؤلفه‌های هویت ملی در ایران توافق کلی به وجود آید تا بتوان با استفاده از آن، برای تقویت و تعمیق هویت ملی، به خصوص در برنامه‌های درسی، تمهیدات لازم را اندیشید. در مورد مؤلفه‌های هویت ملی باید توجه داشت که از یک سو، «در هر عصری به عنصر ویژه و خاصی تکیه می‌شود اما آنچه اهمیت دارد توجه هم‌زمان به همه مؤلفه‌ها و پرهیز از یک‌سویه‌نگری است» (رواسانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲)، و از سوی دیگر، با توجه به این‌که عناصر هویت ملی در ایران متعدد می‌باشند، بنابراین نباید صرفاً یکی از این عناصر را بزرگ و برجسته نمود و تنها بر روی آن تأکید کرد (احمدی، ۱۳۸۳). رسیدن به یک توافق و اجماع در مورد مؤلفه‌های هویت ملی، با توجه به پراکندگی و تعدد نظرات و از طرفی تضاد نظرات، شاید کار آسانی نباشد. از یک سو نباید به همه موارد در نظر گرفته شده به‌عنوان مؤلفه اعتماد نمود و از طرف دیگر نباید هر موردی را به‌عنوان مؤلفه در نظر گرفت. برای مثال بهارلو (۱۳۸۷) مواردی نظیر خرده فرهنگ‌ها و تعاملات بین الملل را به‌عنوان نماد ذکر کرده است و یا بخشی (۱۳۸۶) تعلق ملی، تعهد و وفاداری ملی (تعهد و وفاداری مشترک) و میراث مشترک را به‌عنوان سه مؤلفه هویت ملی در نظر گرفته است. به گفته نصری (۱۳۸۷) «وقتی افروغ (۱۳۸۰، ص ۳۵) عناصر هویت ملی را «سرزمین مشترک، منافع مشترک، منافع دفاعی، امنیتی و اقتصادی، حقوق و دولت مشترک و یک حس روان‌شناسی فردی و جمعی» ذکر می‌کند چه چیزی عاید مخاطب می‌شود؟!» (ص ۱۵).

وقتی موردی، جزئی از مؤلفه هویت ملی محسوب می‌شود - با توجه به این‌که هویت ملی بالاترین سطح هویت‌های جمعی در هر کشوری است - آن مؤلفه باید برای کل افراد جامعه در نظر گرفته شود، نه برای قشر خاص و معدودی؛ زیرا در این صورت ارزش مؤلفه بودن خود را از دست خواهد داد. در مدل نظری ارائه شده هیچ اولویت بندی خاصی بین مؤلفه‌های هویت ملی در نظر گرفته نشده است. همچنین هر یک از مؤلفه‌های ارائه شده در مدل نظری، بر مبنای ویژگی‌های مؤلفه‌های هویت ملی - که در سطور بالا ذکر شدند - که البته آن‌ها نیز از دل داده‌ها و کدگذاری‌ها به دست آمده‌اند، ارائه گردیده است. به عبارت دیگر هر کدام از این مؤلفه‌ها که دارای این ویژگی‌ها بودند به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی در نظر گرفته شدند. این اصل در مورد زیرمؤلفه‌ها نیز رعایت گردید. البته در این بین، ویژگی شماره یک، مهم‌ترین ویژگی است که اشاره به مفهوم اصلی و هسته‌ای تحقیق - «ما و دیگران» - دارد.

در این پژوهش مؤلفه‌های مورد نظر از دل داده‌های به دست آمده از پژوهش و پس از تجزیه

و تحلیل، تفسیر داده‌ها و کدگذاری استخراج شوند. برای مثال در ادامه علت انتخاب زبان، به‌عنوان یک مؤلفه هویتی با توجه به مقوله مرکزی یا هسته‌ای تحقیق توضیح داده می‌شود. برخی زبان را مهم‌ترین مؤلفه هویتی در نظر می‌گیرند (رجوع کنید به: مسکوب، ۱۳۸۵؛ گودرزی، ۱۳۸۴؛ داوری‌اردکانی، ۱۳۸۴؛ ترابی، ۱۳۷۸) و از طرف دیگر نتایج تحقیق سلیمی (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که از ۲۸ استان کشور مردم ۲۷٪ آن‌ها تسلط کامل به زبان فارسی ندارند. همچنین باهری (۱۳۸۷) که زبان فارسی را در یک منطقه آذری‌نشین سنجد است، نشان داد که زبان فارسی احتمالاً از جایگاه مورد انتظار در بین مؤلفه‌های هویت ملی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی استان اردبیل، برخوردار نیست و در حد متوسط می‌باشد و برعکس، نگرش دانش‌آموزان به زبان ترکی مثبت و در حد بالا است. همچنین یکی از نتایج تحقیق احمدلو (۱۳۸۱) نشان داد که جوانان تبریز رابطه متوسطی بین نمرات هویت ملی و زبان و ادبیات فارسی $r=0.35$ قابل هستند. حال با توجه به این نظرات که همگی بر اساس روش‌های علمی و آماری به‌دست آمده‌اند و دارای تناقض در نتایج می‌باشند، آیا باید زبان را به‌عنوان یک مؤلفه هویت ملی قلمداد نمود یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه داشت که مؤلفه زبان متمایزکننده «ما» از «دیگران» است. یعنی ایران به عنوان یک کشور فارسی زبان شناخته می‌شود و ما را با این زبان می‌شناسند و ما نیز خودمان را به عنوان یک کشور فارسی زبان معرفی می‌کنیم. البته سؤالی که ممکن است در این‌جا به ذهن متبادر شود این است که مردم تاجیکستان نیز فارسی صحبت می‌کنند. آیا با این وجود «ما» باید زبان فارسی را به عنوان مؤلفه هویتی خودمان محسوب کنیم؟ زیرا گفته شد که زبان فارسی متمایزکننده «ما» از «دیگران» است و حالا یک «دیگری» هم پیدا شده که فارسی صحبت می‌کند، پس تکلیف چیست؟

برای پاسخ به این سؤال باید گفت، مسلماً میان کسی که فارسی صحبت می‌کند و ایرانی است و کسی که فارسی صحبت می‌کند و تاجیک است، فرق است. زیرا ایرانی خود را وابسته و متعلق به ایران می‌داند و تاجیکی، خود را وابسته و متعلق به تاجیکستان. بنابراین «احساس تعلق به وطن» به‌عنوان یک اصل متمایزکننده عمل می‌کند. احساس تعلق یک مسئله هویتی است؛ یعنی از کجایی بودن و به کجا تعلق داشتن.

از طرف دیگر قرار نیست که ما هر موردی را که به عنوان مؤلفه در کشور دیگری وجود دارد از لیست مؤلفه‌های هویتی خودمان خارج نماییم. زیرا این ویژگی (زبان فارسی) در کشور «ما» (ایران) یک اصل پیوند دهنده است و به عنوان یک مؤلفه ارتباطی میان افراد جامعه عمل می‌کند.

«ما» به هر زبانی صحبت کنیم برای ارتباط با بقیه افراد جامعه از زبان فارسی استفاده می‌کنیم و از طرف دیگر آموزش رسمی در کشور نیز به زبان فارسی است و بیشتر فرهنگ و میراث گذشته ما نیز به وسیله همین زبان به ما منتقل شده است. طبق اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز «زبان و خط رسمی و «مشترک» ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است». علاوه بر این زبان و خط فارسی به‌عنوان زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران در اهداف کلی نظام آموزش و پرورش نیز گنجانده شده است. بنابراین زبان یکی از مؤلفه‌های هویتی ما است. در ادامه، نظر یکی از افراد مورد مصاحبه در این مورد، آورده می‌شود.

مصاحبه با کد یک:

«... درست است که زبان فارسی امروز ما با زبان‌های دری یا زبان‌های دیگری که در گذشته بوده متفاوت است ولی وقتی به تقسیمات زبان‌شناسی نگاه می‌کنیم می‌بینیم این زبان به‌عنوان یک زبان خاص شناخته شده است. اگر چه هر زبانی در هر جای دنیا در طول زمان دچار تحول می‌شود، عناصری به آن اضافه می‌شود و تغییر شکل‌هایی در آن اتفاق می‌افتد اما ساختار اصلی آن زبان باقی می‌ماند».

تعمیق و تقویت هویت ملی در هر کشوری یکی از نیازهای اساسی است که باید در جهت آن اقدام نمود. اما لازمه دست یافتن بر هر هدفی شناخت عوامل و عناصر تأثیرگذار در آن حوزه می‌باشد و بدون آن، تأثیرگذاری اندک و یا اشتباه و در جهت عکس خواهد بود. بنابراین لازمه تقویت و تعمیق هویت ملی بعد از فهم و درک آن، شناخت مؤلفه‌ها یا اجزاء تشکیل دهنده هویت ملی است که به واسطه آن هویت ملی کشور قوام می‌گیرد. رسیدن به توافق مسیر را برای تقویت هویت ملی هموار می‌سازد. تا زمانی که در مؤلفه‌های هویتی مشکل وجود دارد، تقویت آن نمی‌تواند درست و در مسیر صحیح خود انجام گیرد. این موضوع در نظام آموزش و پرورش که دارای بیشترین نیروی انسانی است و وظیفه «آموزش» و «پرورش» افراد جامعه را بر عهده دارد، حائز اهمیت فراوان است. در تحقیق حاضر تلاش شد، با اتخاذ یک روند علمی مناسب، بر روی مؤلفه‌های هویت ملی در ایران توافق کلی به‌وجود آید تا بتوان با استفاده از آن، برای تقویت و تعمیق هویت ملی در برنامه‌های درسی تمهیدات لازم اندیشیده شود. این کار می‌تواند از طریق گنجاندن این مؤلفه‌ها در مجموعه اهداف نظام آموزش و پرورش و یا دیگر عناصر برنامه درسی مانند محتوا محقق شود.

منابع

- آقازاده، حسین (۱۳۷۷). بررسی هویت جمعی در دو زمینه هویت جمعی ملی-محلّی و هویت جمعی دانشجویی (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی. تهران.
- ابوالقاسی رودسری، فاطمه (۱۳۸۵). هویت ایرانی در شاهنامه (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء، دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ. تهران.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳). هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ. در مریم صنّیع‌اجلال (گردآورنده)، *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی* (صص. ۵۲-۲۱). تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳). هویت ملی ایرانی؛ ویژگیها و عوامل پویایی آن. در داود میرمحمدی (گردآورنده)، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران* (صص. ۲۱۲-۱۸۹). تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱). بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی. تهران.
- اشرف، احمد (۱۳۷۳). هویت ایرانی. *فصلنامه‌ی گفتگو* (۳)، ۲۶-۷.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳). بحران هویت ملی و قومی در ایران. در حمید احمدی (گردآورنده)، *مجموعه مقالات ایران: هویت، ملیت، قومیت* (صص. ۱۷۰-۱۳۳). تهران: موسسه تحقیقات و علوم انسانی.
- افروغ، عماد (۱۳۸۰). هویت ایرانی. تهران: بقعه.
- افروغ، عماد (۱۳۸۰). *چالش‌های کنونی ایران*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- بی، ازل (۱۳۸۴). *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت.
- باتمانی، لیلا (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان احساس عدالت توزیعی و هویت ملی در بین جوانان ۲۹-۱۸ سال شهر تهران (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. تهران.
- باهری، لطفعلی (۱۳۸۷). بررسی نگرش زبانی و مؤلفه‌های هویت ملی دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی استان اردبیل سال تحصیلی ۸۶-۸۷ (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، دانشکده زبان و ادبیات خارجی.
- بخشی، جواد (۱۳۸۶). بررسی متغیرهای جامعه شناختی مؤثر بر گرایش جوانان شهر رودسر به هویت ملی (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.
- بهارلو، منیره (۱۳۸۷). بررسی جایگاه هویت ملی در کتابهای درسی رشته‌های ریاضی فیزیک و علوم تجربی (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. تهران.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۳). هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. در داود میر محمدی (گردآورنده)، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران* (صص. ۳۱۲-۲۹۹). تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- ترابی، محمد (۱۳۷۸). گفتارهایی پیرامون هویت ملی ایرانی. *مجله‌ی سیاست خارجی*، ۱۳(۲)، ۵۰۹-۵۳۰.
- توسلی، غلامعباس و قاسمی، یار محمد (۱۳۸۳). هویت‌های جمعی و جهانی شدن. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۱(۲۴)، ۱-۲۶.

- حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۲(۱)، ۲۲۸-۱۹۳.
- حکمت دوست، زهرا (۱۳۸۸). *تحلیل محتوای کتب ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی از منظر هویت ملی با استفاده از روش آنتروپی شانون* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه بیرجند، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- چگنی، روح‌الله (۱۳۸۶). *جهانی‌شدن و تحول در هویت ملی، بررسی موردی ایران* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)، دانشکده علوم سیاسی.
- خامسان، احمد (۱۳۸۷). *پژوهش کیفی بر پایه‌ی بنیادپنشی نظریه*. جزوه‌ی درسی.
- داوریاردکانی، نگار (۱۳۸۴). *برنامه‌ریزی زبان و هوشیاری زبانی با نگاهی به ایران* (پایان‌نامه‌ی دکتری). دانشگاه تهران، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- دلور، علی (۱۳۸۵). *احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی*. تهران: رشد.
- ذکائی، محمدمسعود (۱۳۸۱). *نظریه و روش در تحقیقات کیفی*. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۷(۱)، ۷۰-۴۱.
- ربانی، جعفر (۱۳۸۲). *برنامه‌های درسی و شکل‌گیری هویت*. *مجله‌ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه مشهد*، ۴(۱)، ۶۷۰-۶۵۷.
- رزازی فر، افسر (۱۳۷۹). *الگوی جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران؛ با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن*. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲(۵)، ۱۳۲-۱۰۱.
- رضایی، امیر (۱۳۸۱). *خودکاووی ملی در عصر جهانی‌شدن (مجموعه مقالات)*. تهران: قصیده‌سرا.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰). *زمینه‌های اجتماعی هویت ملی*. تهران: مرکز بازنشاسی اسلام و ایران.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۳). *تعامل فرهنگ و هویت ملی*. در داود میر محمدی (گردآورنده)، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران* (صص. ۱۴۹-۱۰۹). تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- روستا، زهرا (۱۳۸۶). *تلاش برای حفظ و صیانت از هویت ملی در دهه ۴۰ و ۵۰ (ه‌ش) از نظر نخبگان* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی.
- رهیاب، حسین (۱۳۸۱). *ماهیت، موانع و امکانات نوسازی هویت ایرانی*. در امیر رضایی (گردآورنده)، *مجموعه مقالات همایش خودکاووی ملی در عصر جهانی‌شدن* (صص. ۹۶-۵۱). با همکاری بنیاد شریعتی. تهران: قصیده‌سرا.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۱). *انقلاب اسلامی و هویت ملی*. قم: زلال کوثر.
- سختوتی فر، نورمحمد (۱۳۸۶). *بررسی رابطه بین هویت ملی و قومی‌ترکمن‌ها در استان گلستان* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶). *نگرش سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران*. *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۱(۱)، ۵۳-۳۱.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۳). *نقش ادبیات فارسی در شکل‌گیری هویت ملی در ایران*. در داود میر محمدی (گردآورنده)، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران* (صص. ۱۷۰-۱۶۱). تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- شکيبائیان، طناز (۱۳۸۳). *بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره‌ی ابتدایی در شکل‌دهی به هویت ملی* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی.

- صالحی عمران، ابراهیم و شکیباییان، طناز (۱۳۸۶). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی. *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۱(۱)، ۸۴-۶۳.
- شکریخانقاه، حمید (۱۳۷۹). *تقش محتوای کتابهای درسی دوره تحصیلی ابتدایی در اعتلای هویت ملی* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۷). *درآمادی بر هویت ملی*. شیراز: نوید شیراز.
- شمشیری، بابک و نوشادی، محمودرضا (۱۳۸۶). بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمای تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۲(۶)، ۷۸-۵۱.
- شیخاوندی، داوود (۱۳۸۰). *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- صادقزاده، رقیه (۱۳۸۶). *بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره‌ی متوسطه رشته‌ی علوم انسانی* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- صدر، ضیا (۱۳۷۷). *کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان*. تهران: اندیشه نو.
- صنیع اجلال، مریم (۱۳۸۴). *درآمادی بر فرهنگ و هویت ایرانی*. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- ظریفیان، غلامرضا (۱۳۸۶). زمینه‌های بحران هویت در نسل سوم. در علی اکبر علیخانی (گردآورنده)، *هویت در ایران: رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی به هویت و بحران هویت در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- علیرضایی، مریم (۱۳۸۵). *جایگاه هویت ملی و دینی در کتب درسی دوره متوسطه* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه بیرجند، دانشکده علوم انسانی.
- غفوری کله، معصومه (۱۳۸۴). *بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تاثیر خانواده بر آن* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۴). *امام خمینی (ره) و هویت ملی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمادی بر تحقیق کیفی* (ترجمه هادی جلیلی). تهران: نشرنی.
- قادری، حاتم (۱۳۸۶). *سویه‌های هویت*. تهران: شیرازه.
- قیسوندی، آرمان (۱۳۸۳). *تأثیرات جهانی شدن بر هویت ملی ایرانیان* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۳). *پژوهش هویت ایرانی و مؤلفه‌های آن*. شورای عالی انقلاب فرهنگی. دبیرخانه شورای اجتماعی.
- کمال یکارسالاری، نعمت‌اله (۱۳۸۶). *تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی در کتب دوره آموزش راهنمایی* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵). *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵). *گفتارهایی درباره انقلاب مشروطیت و هویت ملی در ایران*. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

- گودرزی، حسین (۱۳۸۴). *زبان و هویت*. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- لقمان نیا، مهدی (۱۳۸۸). *شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی بر اساس روش بنیادبخشی نظریه* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه بیرجند، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- لقمان نیا، مهدی و خامسان، احمد (۱۳۸۹). جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳(۲)، ۱۷۱-۱۴۷.
- محمدی، بیوک (۱۳۸۷). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۸۵). *هویت ایرانی و زبان فارسی*. تهران: باغ آدینه.
- ملاصدقی، منیره (۱۳۷۸). *نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل‌دهی هویت ایرانی دانش‌آموزان* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۸۱). *مؤلفه‌های هویت ملی در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳). *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- میرمحمدی، داود (۱۳۷۳). *مطالعه و بررسی مؤلفه‌های بارز هویت فرهنگی و قومی مردم بلوچ و نسبت و رابطه آن با هویت فرهنگ ملی* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- میرزابیگی، حسین (۱۳۸۳). *بستر جغرافیایی حکومت در ایران با تاکید بر هویت ایرانی* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- نوشادی، محمودرضا (۱۳۸۶). *بررسی چگونگی طرح هویت ملی در کتابهای تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی* (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۶). *مبانی هویت ایرانی*. تهران: موسسه مطالعات ملی انتشارات تمدن ایرانی.
- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۷۷). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: یادواره کتاب.

Glaser, B. (2002). Conceptualization: On Theory and Theorizing Using Grounded Theory. *International Journal of Qualitative Methods*, 1(2). 1-31. Retrieved from <http://www.ualberta.ca/~ijqm/>.

Glaser, B. G. (1978). *Theoretical Sensitivity*. Mill Valley, CA: Sociology Press.

Glaser, B. & Strauss, A. (1965). *Awareness of Dying*. Chicago: Aldine.

Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The Discovering of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine.

Miler, D. (1995). *On Nationality*. UK: Clarendon Press.

Habashi, Janette. (2008). Palestinian Children Crafting National Identity. *Childhood*, 15(1), 12-29.

Rennie, D.L. (1998). Grounded theory methodology: the pressing need for a coherent logic of justification. *Theory & Practice*, 8(1), 101-119.

Strauss, A.L. and Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research*. London: Sage.

1. Individual Identity
2. Collective Identity
3. National Character
4. Habashi
5. Construction
6. Self
7. Other
8. Grounded Theory Method
9. Procedures
10. Corbin
11. Selective Coding
12. Axial Coding
13. Open Coding
14. Theoretical Saturation
15. www.irandoc.ac.ir
16. www.sid.ir
17. National Sentiment
18. Key Concept
19. Core Category

Archive of SID